



بازخوانی ریشه‌های دینی گفتمان صدور انقلاب اسلامی ایران در بیانات حضرت امام خمینی(ره)

خوش‌بین سروستانی، امین، کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام

ماهر، مهرو، کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام

چکیده:

تمامی انقلاب‌های دنیا از جمله انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب کمونیستی روسیه، چین و کوبا تلاش نموده‌اند تا پس از پیروزی، انقلاب و آرمان‌های خود را به اقصی نقاط جهان صادر نمایند. در این میان رهبران انقلاب به‌عنوان تعیین‌کنندگان و هدایت‌کنندگان اهداف انقلاب، در انتخاب رویه و ابزار صدور انقلاب نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نظام بر خواسته از ارزش‌های دینی و اسلامی و هدایت انقلاب به دست مجتهدی دینی باعث گردید که گفتمان صدور انقلاب، کاملاً متفاوت با سایر مکاتب و انقلاب‌ها دنبال گردد. هرچند که در این راه عده‌ای در داخل کشور با انتخاب مشی صدور مخالف بودند اما در نهایت با توجه به صبغه دینی انقلاب و تأکید حضرت امام خمینی(ره) بر این مسئله، صدور به‌عنوان امری حتمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پذیرفته شد.

این پژوهش با مبنا قرار دادن چارچوب نظری توماس اسپریگنز^۱ که پیدایش اندیشه سیاسی را ذیل بحران‌های موجود در جامعه جستجو می‌کند قصد دارد مهم‌ترین اهداف صدور انقلاب اسلامی ایران از منظر حضرت امام خمینی(ره) را بیان نماید.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلامی بر نگرش و تلقی حضرت امام(ره) و تعیین اهداف گفتمان صدور انقلاب تأثیر بسزایی داشته است. و اهدافی چون: وحدت‌گرایی، عدالت محوری، نفی سبیل، نفی ظلم و ظلم‌پذیری، حمایت از مستضعفان و مسلمانان جهان در مقابل جبهه استکبار در جهت ایجاد امت واحد اسلامی، که در قرآن کریم به‌صراحت بدان پرداخته شده است، از مهم‌ترین دلایل صدور انقلاب از منظر حضرت امام(ره) بوده است.

پرسش اصلی: مهم‌ترین اهداف صدور انقلاب اسلامی ایران از منظر حضرت امام خمینی(ره) چیست؟

فرضیه: با توجه به جایگاه دینی حضرت امام خمینی(ره) به‌عنوان یک زعیم و مجتهد دینی می‌توان گفت که مبارزه با ظلم ستمگران، امت محوری و نجات محرومان و مستضعفان از چنگ استعمارگران در جهت ایجاد امت واحد اسلامی مهم‌ترین اهداف صدور انقلاب ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی:

توماس اسپریگنز، صدور انقلاب، حضرت امام خمینی(ره)، آموزه‌های اسلامی، انقلاب اسلامی ایران

1. Thomas Spragens



مقدمه:

نظریه صدور انقلاب بنیاد دینی دارد و مطابق اقتضاء زمانی و انتظارات دینی از انقلابی با صبغه اسلامی و خواست بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران طراحی و عملی شد. اثرپذیری از اندیشه‌های سیاسی اسلامی بر طرز تلقی و تعبیر دینی حضرت امام خمینی (ره) در جایگاه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران از گفتمان صدور انقلاب تأثیر گذاشت و تفاوت معناداری با برداشت دیگر رهبران انقلاب‌های بزرگ دنیا از گفتمان صدور پیدا کرد. حضرت امام (ره) به‌عنوان یک مجتهد و زعیم دینی با اتکا به باور داشت‌های اسلامی و مبتنی بر حمایت از مستضعفین و ریشه‌کن‌سازی کفر و الحاد و آماده‌سازی جهان برای ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) خطوط کلان گفتمان صدور انقلاب را باهدف تنبیین انداز شدن بانگ لا اله الا الله در سراسر دنیا تبیین نمودند. از دیدگاه وی وفاداری به ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و عمل به آن‌ها در جهت تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها در اولویت قرار دارد و اسلام دین تمامی ابناء بشر است. این تفکر حضرت امام (ره) مبتنی بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری، نفی سلطه و سلطه‌گری و نفی سکوت و برخورد انفعالی است و رابطه معناداری میان این تفکر و گفتمان صدور انقلاب برقرار ساخته و طرح ویژه فکری خود مبتنی بر تشکیل امت واحده را تبیین نموده است. ایشان ضمن اشاره به اینکه یکی از اهداف اصلی ارسال رسل دعوت جهان به اسلام و ارزش‌های اسلامی بوده، یکی از اهداف دولت اسلامی و انقلاب اسلامی ایران را نیز دعوت جهانیان به این ارزش‌ها می‌دانست که از آن به صدور انقلاب یاد می‌کند و می‌فرماید: ما می‌خواهیم معنویت انقلاب اسلامی‌مان را به جهان صادر کنیم.

صدور انقلاب:

«صدور انقلاب عبارت است از سعی انقلابیون برای تبدیل پیام و رسالت بالقوه انقلاب به حالت بالفعل. انقلابیون می‌خواهند روح کلی انقلاب را که در کشورشان تجسم یافته است، به حرکت درآورند و پیام‌ها و اهداف خود را در دیگر کشورها مجسم و علنی کنند. صدور انقلاب نقطه عطف در روند انقلابی است که امکان آشکار شدن تمامی پیام‌های انقلاب را میسر می‌سازد و از این رهگذر انقلابیون انسجام خود را بازمی‌یابند.»^۱ برخی نیز صدور انقلاب را «برنامه، اقدام یا سیاستی که از طرف دست‌اندرکاران انقلاب در جهت تأثیرگذاری بر سایر جوامع اتخاذ می‌گردد»^۲ می‌دانند.

«درواقع بدین گونه انقلابیون تداوم انقلاب خود را تضمین می‌نمایند. در نتیجه برای تداوم انقلاب در داخل می‌بایستی انقلاب به خارج صادر شود تا از تمرکز فعالیت ضدانقلاب و دشمنان در کشور کاسته شود و حلقه محاصره شکسته شود. انقلاب با تداوم به تکامل خواهد رسید و وعده یوتوپای انقلاب محقق خواهد شد.»^۳ در مجموع صدور انقلاب در نگاه انقلابیون ایران به معنای گسترش انقلاب به خارج از مرزهای شناخته‌شده ایران از سوی دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران با انگیزه‌هایی از قبیل؛ تبلیغ و گسترش اسلام با اعتقاد به جهان‌شمول بودن دین اسلام، نفی استعمار و سلطه بیگانگان، تلاش برای تقویت پایه‌های وحدت و انسجام امت اسلامی در سطح جهان، حمایت از مستضعفین و مسلمانان جهان در مقابل حقارت‌ها و سرکوب‌های مردم کشورشان توسط بیگانگان با توجه به آموزه‌های دین اسلام. اما از آنجاکه ایدئولوژی انقلاب ایران منبعث از اسلام است به جرات می‌توان گفت که جهان‌شمولی اسلامی نیرومندترین و بر انگیزه‌ترین عامل برای صدور انقلاب بوده است.

نظریه بحران توماس اسپریگنز:

اسپریگنز در نظریه خود از چهار مرحله سخن می‌گوید که منجر به شکل‌گیری یک نظریه سیاسی می‌شود: مشاهده بحران، تشخیص علل آن، تصور بازسازی جامعه، و به دست دادن راه‌حل.

بر اساس این مدل تحلیلی، اندیشه سیاسی، تلاش اندیشمندان برای حل مشکلات و بحران‌های جامعه است. بنابراین هر اندیشمند سیاسی همواره کار خود را از مشاهده نوعی بی‌نظمی و مشکل آغاز می‌کند و پس از تشخیص آن، به جستجوی علل و ریشه‌هایش می‌پردازد. در ادامه اندیشمند سیاسی شرایط مطلوب و جامعه بسامان خود را ترسیم می‌نماید و در نهایت راه‌حل خود را برای رفع مشکلات موجود در قالب آنچه

۱. محسن خلیلی، جستارهای سیاسی معاصر، مقایسه مفهوم انقلاب در انقلاب فرانسه و روسیه، (سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰)، ص ۴۹

۲. عباسعلی فرزندی اردکانی، مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره)، پژوهشنامه متین، سال نهم، شماره ۳۶، صفحه ۱۰۱، پاییز ۸۶

۳. علیرضا حیدری، صدور انقلاب اسلامی، اینترنت تاریخ درج ۹۱/۱۱/۱۶



هست و آنچه باید باشد عرضه می‌دارد. بنابراین اندیشمند سیاسی در پی یافتن علل بی‌نظمی‌ها و مشکلات و بحران‌های جامعه خود است و اندیشه سیاسی وی در واقع تبیین وضع موجود و ارائه راه‌حل برای مشکلات و به دست دادن الگو برای رسیدن به جامعه آرمانی است. اما مبانی نظری اندیشمند نیز در تحلیل وی از مشاهده وضع کنونی و ریشه‌یابی علل مشکلات نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع این مبانی نظری منجر به تصویری از جامعه آرمانی اندیشمند می‌شود تا وضع موجود جامعه را با آن بسنجد و درباره بحرانی بودن یا نبودن آن اظهار نظر کند.^۱

مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی(ره):

با توجه به ذکر این مطلب توسط اسپریگنز که مبانی نظری هر اندیشمند در تحلیل وضع موجود و بازسازی جامعه آرمانی وی مؤثر می‌باشد، در ابتدا به بیان اندیشه‌های حضرت امام پرداخته می‌شود.

اندیشه سیاسی حضرت امام از اعتقادات شیعی وی تأثیر پذیرفته و در این راستا اندیشه توحید، نبوت، معاد و به‌ویژه امامت و عدل در تفکر و نگرش وی به حکومت‌های موجود و تصویر جامعه آرمانی وی اثرگذار بوده است.^۲ حضرت امام خمینی برخلاف مادیون که منبع شناخت را حس و تجربه می‌دانند، معیار شناخت در جهان بینی الهی خویش را اعم از حس و عقل می‌داند.^۳ چراکه در جهان بینی وی هستی فراتر از عالم مادی است و جهان هستی اعم از ماده و روح بوده و خالق دارد که باهدف معینی آن را آفریده است. بنابراین در جهت شناخت ماورای طبیعت علاوه بر استفاده از عقل و حس باید این شناخت از طریق وحی نیز صورت پذیرد.^۴ نگاه وی به انسان نیز ناشی از همین جهان بینی الهی است. در اندیشه ایشان انسان موجودی مختار می‌باشد که به دلیل برخورداری از قوه ناطقه و عقل می‌تواند بیندیشد و از سویی با توجه به برخورداری از آزادی توانایی تصمیم‌گیری و انتخاب راه را دارد. از این‌رو عامل همه شکست‌ها و پیروزی‌ها و سعادت و شقاوت خود انسان است. با توجه به این مبانی، حضرت امام سکولاریسم یا نظریه جدایی دین از سیاست را رد می‌نماید و سیاست را امری مقدس که باید به دین خدمت نماید، می‌داند. این جهان بینی بر نحوه نگرش وی در سیاست خارجی نیز مؤثر بوده و نفی سلطه بیگانگان یا تأکید بر اصل نفی سبیل، اصل نفی ظلم و ظلم‌پذیری، حفظ استقلال کشور و جلوگیری از وابستگی، دفاع از وحدت مسلمین و دفاع از مظلومان و مستضعفان از جمله مهم‌ترین رؤس اندیشه ایشان را در سیاست خارجی است که می‌توان با معرفی اسلام به سایر ملل بدان دست‌یافت که این اهداف از طریق صدور انقلاب به دست می‌آید..

از آنجایی که در اندیشه اسلام بر یگانگی دین و سیاست تأکید شده است و در واقع سیاست عین دیانت بوده و اهداف مقدسی را دنبال می‌کند، پس از طرح مسئله صدور انقلاب اسلامی ایران توسط حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر دینی، واکنش‌های متفاوتی از سوی رهبران و پیشگامان انقلاب ایجاد گردید. این واکنش‌ها که در قالب موافقان و مخالفان صدور انقلاب مطرح گردید باعث ایجاد بحران‌هایی در خط‌مشی صدور انقلاب گردید که بیشتر مربوط به برداشت‌های فکری اشخاص و گروه‌ها از اهداف انقلاب اسلامی بود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

دیدگاه اول: ملی‌گرایان

عمده‌ترین مخالفین صدور انقلاب را ملی‌گرایان تشکیل می‌دادند. زیرا آن‌ها مخالف اثرپذیری سیاست در حوزه داخل و محیط بین‌المللی از اندیشه‌های اسلام بودند به نظر آنان، اسلام و دین در فرع اهداف انقلاب اسلامی بوده و آنچه مورد اهمیت است منافع ملی است که باید از طریق همسو شدن و همراهی با قدرت‌های بزرگ تأمین گردد. «طرفداران دیدگاه اول، ناسیونالیست‌ها بودند. شعار بازسازی ملی در قالب هماهنگ با نظام و عرف بین‌المللی، بدون توجه به شرایط انقلابی اولین آموزه این گروه بود. ایشان به موازات داغ شدن بحث صدور انقلاب، مخالفت تلویحی خود را با اعلام اولویت بازسازی داخلی مطرح می‌نمایند. این گروه معتقد بودند ارزش‌های انقلاب تنها در چارچوب مرزهای

۱. توماس اسپریگنز، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی (تهران: آگاه، ۱۳۸۹) ص ۴۳-۱۲۱

۲. یحیی فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) (قم: نشر معارف، ۱۳۸۷) ص ۷۲.

۳. روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، جلد ۲۱ (تهران: انتشارات مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲) ص ۲۲۲

۴. امام خمینی، آوای توحید (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳) ص ۱۱-۱۲



ملی قابل قبول بوده و نباید آن را نسبت به محیط پیرامون موضعی تعرض داشته باشد لذا به‌طور کلی مخالف صدور انقلاب بوده و آن را عملی خلاف شئون بین‌المللی می‌پنداشتند.^۱

طرفداران این نظریه معتقد بودند که امکانات هر مملکت می‌بایست در جهت خوشبختی مردم آن صرف گردد و وظیفه دولت آباد کردن و ساختن کشور است. در مجموع طرفداران این نظریه مردم داخل کشور بر سایرین ارجحیت داشته و لذا سیاست خارجی کشور نیز می‌بایست در راستای تأمین همین مقاصد شکل گیرد. عمده این افراد را ملی‌گرایان تشکیل می‌دادند. آن‌ها ماهیت دولت ایران را مانند سایر کشورها بر اساس عرف، ملیت و سرزمین می‌دانستند بنابراین نظام جمهوری اسلامی ایران را نظامی برخاسته از اراده مردم تلقی می‌کردند که مبانی الهی ندارد. صدور انقلاب از نگاه آنان دارای ماهیت و هویت ملی می‌دانستند نه فراملی و جهانی. انقلاب‌های ملی برخلاف انقلاب‌های فراملی متعلق به یک ملت خاص است که آرمان‌های خود را در قلمرو جغرافیایی خویش تعقیب می‌کند. چراکه ایشان مهم‌ترین ویژگی انقلاب را یعنی بعد جهان‌شمولی آن را نادیده می‌انگاشتند. به همین دلیل کمک به سایر جنبش‌های اسلامی را نوعی دخالت در امور داخلی کشورها می‌پنداشتند. تجلی این دوره در سیاست خارجی دولت موقت و بنی‌صدر می‌باشد. در همین راستا منافع ملت ایران بر مصالح امت اسلام اولویت و ارجحیت دارد. در این زمینه مهندس بازرگان می‌گوید: «اگر مردم و ملتی نباشند و این ملت و مملکت یعنی ایران فاقد وحدت و قدرت و حیات گردد، دیگر جایی و کسی باقی نخواهد ماند که انقلاب را به سود مستضعفین جهان به ثمر رساند.»^۲

وی همچنین در خصوص اختلافش با امام خمینی (ره) در این زمینه چنین می‌نویسد: «اولین تمایز و توسعه خط‌مشی امام نسبت به حرکت اول، توجه خاص به اسلام و مسلمانان بود و کنار گذاشتن یا فرعی شناختن ایران و ایرانیان. چنین اختلاف ظریف و نامحسوس مابین ایشان با ما و با اکثریت قریب به اتفاق مبارزین سالیان گذشته و شرکت‌کنندگان در راهپیمایی‌ها و حرکت اول، یکی از حساس‌ترین عوامل سرنوشت‌ساز انقلاب ما بود. هدف اتخاذ دولت موقت خدمت به ایران از طریق اسلام و به دستور اسلام بود، در حالی که آقای خمینی برای انقلاب و برای رسالت خود، خدمت به اسلام از طریق ایران اختیار کرده بودند و بعدها در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۶ گفتند که ملت ایران اسلام را می‌خواهد.»^۳ همچنین ابراهیم یزدی وزیر خارجه دولت موقت اعلام می‌دارد: «این دولت بارها پایبندی خود به اصول و ضوابط بین‌المللی اعلام داشته و قصد اخلال و ایجاد شورش در هیچ کشوری را ندارد... یکی از مبانی سیاست خارجی دولت موقت قبول اصل عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها بوده است، اصلی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تیز آمده است.»^۴

دیدگاه دوم: آرمان‌گرایان

«پیروان این دیدگاه معتقد بودند که جهان اسلام زمانی یک کل یکپارچه بوده است که برائر تهاجم دو قطب فرهنگی غرب (ناسیونالیسم - استعمار) تجزیه شده و مرزها و پرچم‌های ملی شکل گرفته‌اند. در مجموع اینان مرزهای ملی را قبول نداشتند، آن‌ها را زاییده استعمار ذکر می‌کردند که باعث تحت‌الشعاع قرار گرفتن ارزش‌های اسلامی شده است. توجیه قدرتمند اسلام مرزی نمی‌شناسد، حربه‌ای مناسب بر ایشان بود. تهاجم مستمر و دائمی به وضع موجود و تلاش در جهت نابود ساختن رژیم‌های پیرامونی هدف اصلی این دیدگاه است. استفاده از توانمندی‌های نظامی، چریکی و اطلاعاتی و تجهیز تسلیحات جنبش‌های آزادی‌بخش، در کانون توجه این دسته قرار داشت.»^۵

در مورد خط‌مشی صدور انقلاب «این گفتمان به آموزه‌های انقلاب مستمر در مقابل تثبیت انقلاب در ایران معتقد است. بر اساس این دکترین، به‌جای تحکیم دستاوردهای داخلی انقلاب اسلامی و تأمین نیازها و رشد و توسعه ایران باید به محقق ساختن آرمان‌ها و اهداف فراملی آن در فراسوی مرزهای جغرافیایی ایران همت گماشت.»^۶

۱. فرزندی اردکانی، پیشین، ص ۱۰۴

۲. جلال دهقانی فیروزآبادی تحول‌گفتمانی در سیاست خارجی، (تهران: موسسه انتشارات روزنامه ایران، ۱۳۶۴)، جلد ۱، ص ۱۷۳

۳. مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، (تهران: نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳)، ص ۱۱۱

۴. مجتبی سلطانی، خط‌سازش، (تهران: دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۳)، ص ۵۵۳

۵. معاونت پژوهشی، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره) (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۶) ص ۱۲-۱۵

۶. صادق حقیقت، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، (تهران: انتشارات مطالعات راهبردی، ۱۳۷۶)، ص ۶۸ و ۶۹



این دیدگاه معتقد بود که انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت فراملی و جهان‌شمولی خود می‌تواند از هر روشی حتی با اعمال زور و به کار بردن اسلحه اندیشه‌ی خود را گسترش دهد. از منظر آنان دولت ملی و سرزمینی در حقیقت اصالت شرعی ندارد چراکه اسلام مرز نمی‌شناسد پس قلمرو ملی یکی از اجزای تشکیل‌دهنده دولت اسلامی نیست. آنان اجتماع واحدی به نام امت را مشروع قلمداد می‌نمودند. با توجه به اسلامی بودن انقلاب و جهان‌شمولی این مکتب، سیاست خارجی کشور نمی‌تواند خود را در محدوده اهداف ملی یا منطقه‌ای محبوس نماید. و علی‌رغم استقرار جمهوری اسلامی ایران در محدوده مرزهای جغرافیایی ایران، قلمروی سرزمینی و ملی آن اصالت و اولویت ندارد. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران مسئولیت‌ها، وظایف و تکلیفی فراتر از مرزهای جغرافیایی و ملت ایران دارد. یعنی در قبال حقوق و منافع همه مسلمانان و مصالح امت اسلام مسئول و مکلف است بر همین اساس صدور انقلاب اسلامی به وسیله حمایت از مسلمانان و مستضعفین در چارچوب پشتیبانی همه‌جانبه از جنبش‌های آزادی‌بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌عنوان مثال سید حسن آیت یکی از نمایندگان مردم تهران در مجلس خبرگان می‌گوید: «بنابر جنبه قانونی بودن قانون اساسی باید اصل یا اصولی به این مسئله اختصاص داده شود. اصلی که دولت‌ها مکلف باشند در زمینه مسلمین کار انجام بدهند. وی در خصوص ایرانی‌الاصل بودن رییس‌جمهور نیز می‌گوید: رییس‌جمهور باید مسلمان الاصل باشد، ایرانی‌الاصل بودن در درجه دوم است... مهم مسلمان بودن است... اگر قرار باشد در ایران بنویسیم ایرانی‌الاصل و در عراق هم بنویسیم عراقی الاصل، این اتحاد هیچ‌گاه انجام نخواهد شد.»^۱

دیدگاه سوم: میان‌روها

در مقابل گروه موافقین و مخالفین صدور انقلاب جنبه سومی به نام میان‌روها ایجاد شد که اگر چه صدور انقلاب را پذیرفتند و بر آن تأکید می‌کردند اما در نوع ابزار و رویه صدور انقلاب و زمان آن دارای نظریات مخصوص به خود بودند. «طرفداران این نظریه معتقد بودند که باید تلاش کنیم در داخل، یک امت نمونه بسازیم و از تمامی ابزارهای انقلابی، قانونی و حتی خشن نظامی برای تحقق این هدف سود ببریم. در رابطه با جامعه جهانی نیز این دیدگاه، سیاست مسالمت‌آمیز توأم با فرصت‌طلبی را دنبال می‌کرد. در صورتی که منافع ما در نقطه‌ای به خطر افتاد و مخاصمه و برخورد خشن کارساز نبود اقدام به یک مصالحه بین‌المللی و تفاهم با کشورهای قدرتمند ضروری است این دیدگاه تا حدود زیادی در داخل متأثر از اندیشه انقلابی و در جامعه جهانی مدافع تفاهم با سیاست دولت‌های قوی بود. در این دیدگاه استفاده از تمام شیوه‌ها برای دستیابی به اهداف انقلابی شروع بوده و قابل قبول تلقی می‌شود.»^۲

بر این اساس علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رییس‌جمهور وقت می‌گوید: «... مواردی هم هست که خودمان باید مواظب باشیم. بالاخره وضع دنیا هم باید در نظر بگیریم. آرمان‌های اسلامی برای ما اصالت دارد، ولی شیوه‌های برخورد همیشه می‌تواند تفاوتی در تبلیغ افکار خودمان داشته باشد.»^۳

صدور انقلاب از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره):

انقلاب اسلامی ایران تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. در عصری که می‌رفت عزت و شوکت اسلامی توسط استعمارگران و دشمنان اسلام پایمال گردد و اخلاق و ارزش‌های اسلامی به بوت‌های فراموشی سپرده شود، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) به وقوع پیوست و فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی را به ارمغان آورد و بارقه‌ی امید در دل میلیون‌ها مسلمان در گوشه و کنار دنیا زنده کرد و باعث تجدید حیات اسلام وزنده شدن مجد و عظمت دیرینه‌ی جهان اسلام گردید.

یکی از عرصه‌هایی که در اندیشه سیاسی امام(ره) به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب جمهوری اسلامی بسیار حائز اهمیت می‌باشد، مسئله صدور انقلاب است. حضرت امام(ره) اعتقاد راسخ داشتند که مشکلات جامعه ایرانی و بشریت حل نخواهد شد مگر اینکه یک تمدن مبتنی بر دین و افکار ناب شیعه در جمهوری اسلامی ساخته و به دنیا عرضه شود و دنیا با آشنا شدن با این تمدن برای امر ظهور موعود و فرارسیدن پایان خوش تاریخ بشریت زمینه‌سازی کند.

۱. هادی نخعی، توافق و تزامن منافع ملی و مصالح اسلامی، (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۶) ص ۱۶۳

۲. فرزندی اردکانی، پیشین، ص ۱۰۵

۳. روزنامه اطلاعات، هاشمی رفسنجانی، در جمع اعضای دولت، ۱۳۷۳/۱۰/۵



مراحلی که امام (ره) برای صدور انقلاب در فراسوی مرزهای ایران اسلامی مدنظر داشت این بود که یک حوزه فکری برگرفته از افکار ناب شیعه که در بردارنده تعاریف بنیادین زندگی، هستی، خوشبختی، سعادت و سایر اهداف زندگی باشد برای همه انسان‌ها ارائه شود به گونه‌ای که انسان‌ها بتوانند آن را بفهمند و در صورت تمایل انتخاب کنند. در نظر ایشان انقلاب ایران، گذشته از خصوصیات مشترکی که با سایر انقلاب‌ها دارد، دارای ویژگی‌ها و عناصر مخصوص به خود است. ایشان مبنا و منشأ انقلاب ایران را دینی می‌دانستند، که در تمامی مراحل اندیشه اسلام را به عنوان تابلویی راهنما، در مقابل خود می‌بیند. چنین ویژگی باعث شده که مسئله صدور انقلاب اسلامی ایران، با سایر انقلاب‌های بزرگ دنیا از جمله انقلاب فرانسه و روسیه در انگیزه، پیدایش و طی مراحل خود متفاوت باشد. از همین رو است که امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام.»^۱
مسئله صدور انقلاب اسلامی در نگاه معمار کبیر انقلاب امری مسلم و تکلیفی دینی به شمار می‌آید که باید با شناخت عمیق و همه‌جانبه از اسلام و ابعاد انقلاب اسلامی و همچنین آگاهی و بصیرت کامل به شرایط زمانی و نظام حاکم بین‌المللی و همچنین شناخت دشمنان اسلام، و ابعاد و شیوه‌های دشمنی آنان، باهدف حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و عمق‌بخشی و گسترش پهنه انقلاب اسلامی در داخل و خارج از ایران صورت پذیرد و بر این اساس همواره بر صدور انقلاب با شیوه‌ای جامع و کارآمد تأکید می‌کردند چنانچه فرمودند:

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفتند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.»^۲ و در جای دیگر می‌فرمایند: «ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع را با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشمداشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست.»^۳

صدور انقلاب در نگاه حضرت امام خمینی به عنوان ایدئولوگ بزرگ انقلاب اسلامی به معنای صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی، همچون استقلال، نیل به خصلت‌های انسانی و خودکفایی، حمایت از مستضعفان و رنج دیدگان و محرومان، ایجاد عدالت اجتماعی، مبارزه با ظلم و تبعیض‌ها و نژادگرایی است.^۴ در نگاه وی یکی از برکات صدور انقلاب اسلامی ایران تحکیم اخوت اسلامی و ایجاد و تقویت وحدت در میان مسلمانان است. چراکه این انقلاب با طرح مجدد قرآن و با الهام از سیره‌ی شریف نبوی شالوده‌ی وحدت اسلامی، الگوی همبستگی و وحدت مسلمانان را پایه‌ریزی کرد. از این‌روی امام خمینی (ره) از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، مردم مسلمان جهان را به یکپارچگی و وحدت در برابر حاکمان جور و دشمنان اسلام دعوت نمودند و سند عزت و پایداری ملل مسلمان را وحدت کلمه و توحید کلمه دانسته و فرمودند:

«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید. بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده

کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه‌چیز هستید.»^۵

حمایت از مستضعفین نیز یکی از برجسته‌ترین اهداف صدور انقلاب بوده است. چنانچه حضرت امام (ره) در سال اول انقلاب در پیام خود مبنی بر صدور انقلاب صراحتاً اعلام می‌دارند که:

«ملت آزاده ایران هم‌اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند پشتیبانی می‌کنیم.»^۶ و در

۱. روح‌الله موسوی خمینی، وصیت‌نامه سیاسی الهی امام (ره)، (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۸)، ص ۷

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۸

۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵

۴. صحیفه نور، (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۸۰)، ج ۴، ص ۱۸۸

۵. همان، ج ۱۳، ص ۸۳

۶. همان، ج ۱۱، ص ۲۵۹



جای دیگر حمایت از ملت‌های محروم را در ردیف اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برشمرده و می‌فرمایند: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلو جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم...»

همچنین حضرت امام (ره) ضمن اشاره به وعده الهی مبنی بر پیروزی نهایی مستضعفین، انقلاب ایران را به‌عنوان الگوی مبارزه معرفی نموده و وحدت را رمز پیروزی مستضعفین می‌داند. در اندیشه ایشان پیروزی نهایی زمانی است که اسلام بر تمام دنیا حکومت کند. وی در این خصوص در جمع مسلمانان پاکستانی و هندی مقیم ایران، در قم اظهار می‌دارند:

«ما امید آن داریم که همه اقشار مستضعف به هم بپیوندند... با این نهضت-نهضت مستضعف در مقابل مستکبر- در تمام عالم گسترده شود. ایران، مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف باشد. ملت‌های مستضعف ببینند که ایران با دست‌خالی و با قدرت ایمان و با وحدت کلمه‌ی تمسک به اسلام، در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستاد و قدرت‌های بزرگ را شکست داد. سایر اقشار ملت‌ها به این رمز اسلامی، به این رمز ایمانی اقتدا کنند. در تمام اقشار عالم، مسلمین به پا خیزند؛ بلکه مستضعفین به پا خیزند. وعده الهی که مستضعفین را شامل است، و می‌فرماید: که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آن‌ها امام بشوند در دنیا، و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، وراثت از مستضعفین است؛ مستکبرین غاصبانند، مستکبرین باید از میدان خارج شوند. ما مستکبرین ایران را از صحنه بیرون کردیم، و به‌جای آن مستضعفین نشستند... پیروزی نهایی وقتی است که اسلام- با همه ابعاد و با همه احکامش- در ایران پیاده شود و پیروزی بالاتر آنکه در همه اقطار عالم، اسلام حکومت کند.»^۱ حضرت امام خمینی (ره) صدور انقلاب را در راستای اصل دعوت به اسلام می‌داند چراکه امت مسلمان در کنار عزت و احترام کشور خود نباید فراموش کنند که این عزت و اقتدار، تمامی مسلمانان را در معرض مسئولیت قرار می‌دهد تا پیام هدایت حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) را به سایرین برسانند و آنان را به سوی سعادت مدنظر اسلام دعوت نمایند. «به‌عنوان نمونه‌ای برجسته از دعوت به اسلام در زمان حیات امام خمینی (ره) می‌توان پیام ایشان به گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق اشاره کرد. از نظر سیاست خارجی استفاده از فرصت تاریخی جهت ابلاغ پیام الهی اسلام، برقراری رابطه معنوی و ابراز همدردی و حمایت از مسلمانان شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصل نه شرقی نه غربی، تأکید بر مبارزه با استکبار در اشکال و چهره‌های مختلف از آن و بااهمیت‌تر از همه، دعوت به اسلام از جمله ویژگی‌ها و نکات برجسته پیام امام خمینی (ره) به گورباچف است.»^۲ وی در خصوص هدف نهایی صدور انقلاب می‌فرماید: «مقصد این است که اسلام، احکام اسلام، احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند، همه مستقل باشند.»^۳ از این سخن امام می‌توان این‌گونه برداشت کرد که استقلال ممالک اسلامی عنصر اصلی حفظ ارزش‌های اسلامی در دنیای معاصر است. نظر حضرت امام درباره استقلال و آزادی و وظیفه ما در قبال آن این است که: «ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم، ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم. دستورات مذهبی را که مترقی‌ترین دستورات است، راه ما را معین فرموده است. ما با آن دستورات و تحت رهبری بزرگ‌مرد دنیا محمد، با تمام قدرتهایی که بخواهند تجاوز کنند به مملکت ما مبارزه خواهیم کرد. امروز مثل روزهای سابق نیست که یک نفر بر یک امت سلطه داشته باشد و این یک نفر هم دست‌نشانده اجانب باشد و بخواهند به مملکت ما با دست او خیانت و تجاوز کنند.»^۴ همچنین ایشان نعمت آزادی را امانتی از سوی خداوند دانسته که می‌بایست صرف گسترش اسلام و صدور ارزش‌های اسلامی گردد. چنانکه می‌فرمایند: «ما الا ن آزاد هستیم، آزادی یک نعمت بزرگ الهی است. یا در این موقع که آزاد هستیم، ببینیم که از این آزادی آیا سوءاستفاده می‌کنیم یا استفاده مشروع؟ آزادی یک امانت

۱. صحیفه نور، ج ۷، صص ۲۹۲، ۲۹۳

۲. محمدرضا دهشیری، مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۲۳۹

۳. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، ص ۳۱

۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۸۱



الهی است که خداوند نصیب ما کرد، آیا این امانتی که خدای تبارک و تعالی به ما داد و ما را آزاد کرد، با این آزادی چه می‌کنیم؟ آیا آزادی را صرف صلاح ملت و اسلام می‌کنیم؟ یا آزادی را صرف جهاتی که برخلاف مسیر نهضت و برخلاف رضای خداست؟ اگر ما آزادی را در مسیر خودش برای صلاح ملت، برای صلاح اسلام، در خدمت کشور، از این آزادی استفاده کردیم، از امتحان درست بیرون آمده‌ایم^۱ با توجه به بیانات امام در باب آزادی باید توجه داشت که یک ملت باید به حدی از تفکر برسد تا بتواند با آزادی، ارزش‌های اصلی خود را مشخص کند و در پناه این ارزش‌ها به سعادت که مدنظر اسلام است دست یابد و آن را گسترش دهد.

همچنین امام با توجه به اصل نفی سلطه بیگانگان که در قرآن کریم به صراحت بیان شده است (و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا) ^۲، سیاست نه شرقی نه غربی را مطرح می‌نماید و در مورد مفاد و مصادیق قاعده نفی سبیل می‌نویسد:

«ممکن است بگویم قاعده نفی سبیل وجه سیاسی دارد و در مقام توجه دادن مسلمانان به این امر مهم که لازم است از سلطه کافران به هر وسیله ممکن خارج شوند؛ زیرا تسلط آنان امر محتوم و تقدیر الهی نیست تا تسلیم به آن لازم باشد. بلکه رضایت دادن به این سلطه ذلت و ظلم است و خداوند از این بری است: «فَان الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَ رَسُوْلِهِ»^۳ ایشان در جای دیگر ضمن تأکید بر این اصل قرآنی و در مقام بیان اینکه زمینه‌سازی برای سلطه و حاکمیت اجانب حرام و خیانت به اسلام است می‌فرمایند: «در هر حال شعار ما قطع ایادی اجانب راست و چپ از کشور است و هر کس و در هر مقامی و به هر صورتی اجازه دخالت اجانب را در وطن عزیز ما چه با صراحت و چه به وسیله طرح‌هایی که لازم‌هاش ادامه تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازه‌ای باشد خائن به اسلام و کشورهای اسلامی است. ایشان درباره‌ی لزوم مبارزه با عواملی که موجب سلطه کافران می‌شود، می‌فرماید: وظیفه مسلمانان نفی سلطه فرهنگی اجنبی و نشر فرهنگ غنی اسلام است.»^۴ رویکرد امام نسبت به نظام بین‌الملل و جهت‌گیری وی نیز ناشی از اعتقاد به همین اصل حیاتی بود. از نظر امام حیطة شمول اصل نفی سبیل محدود به ایران نیست، بلکه سلطه هر قدرتی را بر امور مسلمین نفی می‌کند. وی در خصوص صدور انقلاب، نفی سلطه بیگانگان را یکی از اهداف اساسی بیان نموده و می‌فرماید: «این‌که می‌گوییم انقلاب ما باید به همه‌جا صادر بشود این معنی غلط از او برداشت نکنید که می‌خواهیم کشور گشایی کنیم ما همه کشورهای مسلمان را از خودمان می‌دانیم، همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این انقلاب راه، انقلاب فرهنگی مان راه، انقلاب اسلامی مان راه به همه ممالک اسلامی صادر بکنیم. ما می‌خواهیم این بیداری که در ایران واقع شد و از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آن‌ها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و همه دولت‌ها بشود. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از اینکه همه مخازن آن‌ها به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهند.»^۵ یکی از نشانگان ریشه و بنیاد اسلامی صدور انقلاب، اثرات آن بر هدف و انگیزه‌ی صدور انقلاب، از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بدین ترتیب انگیزه‌های دینی حضرت امام (ره) از طراحی گفتمان صدور انقلاب از بیانات فوق آشکار می‌گردد. از دیدگاه حضرت امام (ره) وفاداری به ارزش‌های والای اسلام و عمل به آن‌ها در اولویت قرار دارد و اسلام دین تمامی ابناء بشر است. پس اعتقاد به ارزش‌های اسلامی مبین نوعی احساس مسئولیت نسبت به جامعه جهانی است. نفی فرهنگ‌ها و ارزش‌های مادی که الگوی حکومت در غرب و شرق می‌باشد و نیز مبارزه با کج‌روی‌ها، توطئه‌ها و آگاهی دادن به ملت‌ها در مضار چنین فرهنگ‌هایی، نوعی احساس مسئولیت دائمی در قبال جامعه جهانی است. لذا در این دیدگاه بستن مرزها و اسیر شدن در قیودات لازم نظیر توسعه و رشد ملی بدون توجه به سرنوشت‌های ملت‌ها نفی می‌شود و هرگونه رشدی در داخل در گرو تلاش برای رشد سایر ملت‌ها است. ماهیت اصلی این تفکر مبنی بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری، نفی سلطه و سلطه‌گری و نفی سکوت و برخورد انفعالی است.

۱. همان، ج ۷، ص ۲۱۵

۲. نساء ۱۴۱

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، (قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۶۸)، ج ۲، ص ۷۲۵

۴. محمد غلامی، بررسی فقهی و حقوقی قاعده نفی سبیل (مشهد: شاملو، ۱۳۸۸)، ص ۱۵۱

۵. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۸۱



از دیدگاه امام (ره) تنها در صورتی می‌توان الگوی مناسبی برای ملت‌ها گردید که آن‌ها حس کنند در قبال مسائل و معضلاتشان احساس مسئولیت انقلابی وجود دارد. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مخاطب انقلاب اسلامی، ملت‌ها هستند و هدف آگاهی دادن به آن‌هاست. در این قالب مفهوم صدور انقلاب با اتخاذ مشی روشنگرانه‌ای که ملت‌ها خود در تغییر سرنوشت خویش اقدام نمایند کاملاً عجین گشته است و حرکت‌های نظامی گرایانه که مستلزم اخذ تصمیم و اقدام بجای ملت‌ها باشند به کلی نفی می‌شود. حضرت امام (ره) نه تنها به انگیزه‌ها و اهداف دینی سیاست صدور اشاره می‌فرمایند بلکه از شبهه‌ها و تردیدهایی که ممکن است درباره انگیزه‌های صدور انقلاب پیش آید سخن می‌گویند، تا اهداف صدور انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلاب‌ها یکسان پنداشته نشود؛ «... ما تعددی به هیچ کشوری به واسطه دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد... و نباید بکنیم و تجاوز به هیچ کشوری نخواهیم کرد و نباید بکنیم...»^۱

حضرت امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را فقط مختص کشور ایران نمی‌داند بلکه آن را نهضتی در مقابل مستکبران دنیا معرفی می‌کند و امید دارد که در نهایت احکام اسلام در همه‌جا پیاده شود و همه ملت‌ها بیدار شده و در راستای تحقق اهداف اسلام قیام کنند.^۲ ایشان همچنین اسلام را دینی جهان‌شمول می‌داند که اگر انسان‌ها آن را شناسایی نمایند دردهای مژمن بشر درمان خواهد گشت. «کنون از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق کنید و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلام است که می‌تواند وسیله راحتی و نجات ملت‌ها باشند و گره مشکلات اساسی بشریت را باز کند.»^۳ ایشان هدف نهایی بحث صدور انقلاب را در راستای اهداف انبیاء زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت جهانی اسلام می‌داند و در این باره می‌فرماید؛ «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم [ایران] بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»^۴ با توجه به اهداف حضرت امام نسبت به گفتمان صدور انقلاب دیدگاه ملی‌گرایان به دلیل تأکید بر درون‌مایه‌های غیردینی و استفاده از آن‌ها در کنار ارزش‌های اسلامی به صورت آشکار مورد نفی امام قرار می‌گیرد؛ زیرا اعلام صریح امام مبنی بر قطعی بودن صدور انقلاب و یادآوری این نکته که ما نسبت به ملت‌ها و به‌ویژه مسلمانان بر اساس آموزه‌های اسلام مسئولیت داریم، بیانگر رد صریح و روشن این دیدگاه محسوب می‌شود. گروه دوم نیز به دلیل اندیشه و اقدامات افراطی و نادیده گرفتن سازوکارهای حاکم بر تعاملات مناسب بر جوامع (همچون مرزهای سیاسی)، مطرود امام هستند. برگزیدن راه و روش صرفاً نظامی و اقدامات چریکی و پارتیزانی و بی‌توجهی به حرکت‌های مردمی مبتنی بر آگاهی و بیداری و شناخت مناسب از تعاملات محیطی که ویژگی این دیدگاه می‌باشد، از سوی امام خمینی شیوه غیرممکن و نادرستی به حساب می‌آید. دیدگاه سوم به دلیل فرصت‌طلبی و استفاده ابزاری نسبت به موضوعی که باید مبتنی بر احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی باشد، از سوی امام نفی می‌شود.^۵ بنابراین بر اساس نظریات امام خمینی، صدور انقلاب در جهت حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش و مبارزه با استکبار جهانی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی است. اما تحقق و تأمین این آرمان‌ها باید با رعایت مصلحت اسلام و مسلمین صورت پذیرد.

با توجه به رهنمودهای معمار کبیر انقلاب، هدف از صدور انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

۱. معرفی اسلام، آن‌گونه که هست؛ چراکه اسلام از اهداف غایی خود در طول سالیان متمادی دور شده است.
۲. گسترش معنویت موجود در ایران و پیاده نمودن توحید ناب در بین ملل اسلامی
۳. کم کردن سلطه جهان خواران و به ارمغان آوردن استقلال و آزادی جهت ملت‌های مظلوم از جمله فلسطین

۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۱۱/۲۳، ص ۳، سخنرانی امام خمینی در جمع سفرا و دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران، ۱۳۵۹/۱۱/۲۲

۲. صحیفه امام، ج ۱۰ ص ۲۸۷

۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۲۱

۴. همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷

۵. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، پیشین، صص ۱۵-۱۶



۴. مبارزه با کفر و شرک و ظلم ظالمان با ایجاد بستری دینی
 ۵. آشتی دادن بین ملت‌ها و دولت‌ها در راستای ایجاد وحدت و همگرایی
 ۶. بیداری ملت‌ها با ایجاد زمینه شناخت اسلام ناب محمدی (ص) و تفکیک آن از اسلام آمریکایی
 ۷. آشنا ساختن ملل اسلامی و مستضعفین جهان با اسلام و حکومت عدل اسلامی جهت تحقق عدالت
 ۸. نورافشانی نور اسلام در جهان با توجه به اصل جهان‌شمولی اسلام
- در اولین سال‌های انقلاب، دیدگاه گروه دوم که همان آرمان‌گرایان بودند به اجرا درآمد. چراکه از یک‌سو اکثریت شورای انقلاب را در اختیار داشتند و از سوی دیگر، محتوای دینی انقلاب باعث گردید که در راه برد کلی انقلاب و به‌ویژه صدور انقلاب تأثیر بسزایی داشته باشد. در مقابل ملی‌گرایان دارای تمایلات غربی بودند و این موضوع با انقلابی با صبغه دینی سازگار نبود. با اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و استعفای دولت موقت و به قدرت رسیدن جبهه مذهبی، صدور انقلاب به‌عنوان اصلی اساسی در سیاست خارجی مطرح گردید. هرچند که در ادامه اتفاقاتی همچون وقوع جنگ تحمیلی و فشار جامعه جهانی بر ایران باعث گردید که مسئولین در این نگاه نیز تجدیدنظر نموده و مصلحت را که همان در نظر گرفتن شرایط جامعه جهانی است، در صدور انقلاب مدنظر قرار دهند. اما این گفتمان همواره جزء جدانشدنی از سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

یکی از شباهت‌های عملکردی پس از پیروزی انقلاب‌های دنیا، تلاش و اصرار برای صدور انقلاب می‌باشد. بدین معنا که انقلابیون بعد از مدتی کوتاه درصدد برمی‌آیند که ارزش‌های موجود در انقلاب خود را به سایر نقاط جهان تسری دهند تا بدین‌وسیله تداوم انقلاب خود را تضمین نمایند.

از این روی یکی از عرصه‌های مورد توجه حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان ایدئولوگ بزرگ انقلاب، مسئله صدور انقلاب بوده است. در نگاه ایشان صدور انقلاب به معنای صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی به سایر کشورهاست.

این پژوهش با مدنظر قرار دادن مراحل چهارگانه نظریه‌پردازی توماس اسپریگنز بیان می‌کند که اختلاف‌نظر در بحث صدور انقلاب توسط گروه‌های مختلف موافقان و مخالفان، باعث گردید که خط‌مشی صدور انقلاب با تأکید امام خمینی و با رعایت مصلحت و در نظر گرفتن تعاملات موجود به‌عنوان اصلی اساسی در سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران مطرح گردد. نتایج تحقیق نشانگر آن است که اهداف صدور انقلاب اسلامی ایران با صدور با سایر مکاتب و انقلاب‌ها متفاوت است. چراکه جایگاه حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان زعیم و مجتهدی دینی بر اهداف صدور انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی داشته است. از مهم‌ترین آن اهداف می‌توان به مقابله با ظالمان، ایجاد امت اسلامی، پیاده‌سازی احکام اسلام، استقلال و آزادی سایر ملل، گسترش معنویت موجود در ایران به اقصی نقاط جهان و نفی سلطه بیگانگان اشاره کرد. ایشان در راستای رسیدن به این اهداف وحدت را رمز پیروزی معرفی می‌نماید. در همین خصوص حضرت امام خمینی در بازکاوی مشکلات جامعه با تأثیر از مبانی نظری و جامعه‌آرمانی خود، ریشه‌های بحران و مشکلات را در جوامع اسلامی، دور شدن از اندیشه‌های اسلامی می‌دانست و بازگشت به اسلام راستین را تنها راه نجات مسلمین می‌داند. در اندیشه وی تلاش در جهت ایجاد وحدت، مکانیزم اجرایی و عملیاتی ایجاد جامعه آرمانی است که امت واحد اسلامی نامیده می‌شود. و راه تحقق این امر ایجاد زمینه جهت آشنایی سایر ملل با اسلام و انقلاب از طریق صدور انقلاب اسلامی است.

در این راستا امام (ره) صدور انقلاب را با توجه به محتوای دینی، انقلاب و شرایط و امکانات درون کشور امری حتمی و تکلیفی دینی دانستند که می‌بایست در جهت ایجاد وحدت مسلمانان و زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت (عج) انجام پذیرد.

منابع:

۱. اسپریگنز، توماس، (۱۳۸۹) فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگه
۲. بازرگان، مهدی (۱۳۶۳)، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: نهضت آزادی ایران



۳. حقیقت، صادق (۱۳۷۶)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی
۴. خلیلی، محسن (بهار ۱۳۹۰)، جستارهای سیاسی معاصر، مقایسه مفهوم انقلاب در انقلاب فرانسه و روسیه، سال دوم، شماره اول
۵. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۶۴)، تحول گفتمانی در سیاست خارجی، جلد ۱، تهران: موسسه انتشارات روزنامه ایران
۷. سلطانی، مجتبی (۱۳۶۳)، خط سازش، تهران: دفتر نشر معارف اسلامی
۸. صحیفه نور (۱۳۸۰)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۹. فوزی، یحیی (۱۳۸۷) اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، قم: نشر معارف
۱۰. غلامی، محمد، (۱۳۸۸)، بررسی فقهی و حقوقی قاعده نفی سبیل، مشهد: شاملو
۱۱. معاونت پژوهشی (۱۳۷۶)، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۷۲۵، قم: انتشارات دارالعلم
۱۳. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸)، وصیت‌نامه سیاسی-الهی امام خمینی (ره)، چاپ بیست و نهم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۱۴. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، جلد ۲۱ (۱۳۷۱) ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ (بهمن ۱۳۶۱)، تهران: انتشارات مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۵. نخعی، هادی (۱۳۷۶)، توافق و تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی - چاپ اول تهران انتشارات وزارت امور خارجه - ص ۱۶۳
۱۶. نوازی، بهرام (۱۳۸۸)، صدور انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی